



مقطع تحصیلی: کاردانی □ کارشناسی □ رشته: معماریترم: ...دوم ...سال تحصیلی: 1398- 1399
 نام درس جامعه شناسی معماری..... نام ونام خانوادگی مدرس:.....**شاهین امیرشاقی**
 آدرس email مدرس:.....**mystudent20@gmail.com**...تلفن همراه مدرس:.. تماس از طریق ایمیل و
 تشکیل گروه تلگرام توسط یک نماینده ایدی تلگرام telegram.me/tiktakeomr

جزوه درس:..... مربوط به هفته : هشتم ■ نهم □ دهم □
 text: دارد ■ ندارد □ voice: دارد □ ندارد ■
 تلفن همراه مدیر گروه :

3-7 تمهیدات کالبدی:

از آن جا که شهرهای امروزی از نظر ساختار اجتماعی، ترکیبی از فرهنگ ها و خرده فرهنگ های گوناگون هستند، ضروری است که تمهیدات لازم در طرح ها و برنامه ریزی ها پیش بینی شود تا هر یک از گروه های اجتماعی، قومی و مذهبی... بتوانند در صورت تمایل، قلمرو فضایی خاص خود و یا به عبارتی واحدهای همسایگی مطلوب خود را در شهر داشته و قادر باشند تا شیوه زندگی مشخص خویش را در این محدوده ها برقرار سازند. در چنین وضعیتی، افراد با توجه به نیازها و روحیات خویش می توانند در مشخص ساختن، حفظ و نظارت بر حریم و قلمرو خود، اقدام کنند. این امر به تنوع و غنای فرهنگی، اجتماعی و کالبدی شهر می افزاید. اما ضروری است که طراحی فضاهای عمومی شهری مابین و مرتبط کننده چنین قلمروهایی، از جذابیت برخوردار باشد تا به افزایش ارتباطات متقابل و مناسبات اجتماعی بین ساکنان آنها یاری کند. علاوه بر وجود مالکیت واقعی بر عرصه ها که بیانگر میزان نظارت و کنترل بر فضاها و حریم آنهاست. باید به امر تعمیم مالکیت سمبلیک در فضاهای عمومی توجه داشت. طراحی صحیح و پیش بینی فعالیت های زنده و جاذب، تشدید استفاده از فضای عمومی، تقویت ارتباطات اجتماعی، افزایش حس تعلق افراد به محیط را در پی داشته و احساس مسئولیت آنها را در بهره برداری بهینه از فضا تقویت می کند. در نظر گرفتن خواست گروه های سنی مختلف و ناتوان جسمی جامعه از نظر دسترسی، منیت، آرامش، خلوت و یا تحرک فضایی، تنوعی را در فضای شهر پدید می آورد که هر گروهی برای خود قلمروی را در آن متصور شده و به حیات و فضای شهری مرتبط می گردد.

توجه به راه پیاده به عنوان فضاهای عمومی که حیات شهر در آنها جریان دارد، در نظر گرفتن ترکیبی از انواع عرصه ها، تماما سبب برقراری ارتباط بهتر با محیط و نظارت مسئولانه تر بر فضا می شود. باید همواره توجه داشت که قلمرو ذهنی که هر فرد برای زندگی خصوصی وی و مکمل آن است و شاید در بسیاری مواقع برکنار از شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی که قلمرو ذهنی را مشخص می دارند، یادها، حوادث و خاطرات را نیز بتوان در شکل گیری این حریم موثر دانست. توجه به موارد فوق امری اساسی در روند طراحی فضای شهری است.

عناصر و فضاهای فرهنگی – اجتماعی محلی را می توان به شرح زیر تفکیک و سیر تحول آن را بررسی کرد.
 فضای مذهبی (مسجد، تکیه، حسینیه، فاطمیه، امامزاده، سقاخانه) مسجد محلی برای ارتباطات اجتماعی در مقیاس محله و رفع و رجوع مشکلات اهالی به شمار می آمد و معمولا حیاط تکیه یا حسینیه ها هسته مرکزی

قابل توجه مدرسین محترم : حداقل 4 صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.



محله را تشکیل می داد که سایر عناصر خدماتی در پیوند با آن و در تکمیل آن جانمایی می شد. سقاخانه ها نقاط عطفی در کالبد محلات بودند. امروزه ارتباط مساجد با سایر فضاهای فرهنگی و تعاملات اجتماعی جدا افتاده که همراهی اینها می تواند در پیوند دادن تعاملات شهروند سنتی با مدرن نقش داشته باشد.

4- جامعه شناسی شهری و مسائل اجتماعی شهر

سکونت در "شهر" آثاری بر زندگی فردی و جمعی انسانها می گذارد که از حدود دو قرن پیش تاکنون، موضوع تأمل اندیشمندان اجتماعی بوده است. چند وجهی بودن این اثرات و نیز فرایندها و جریانات موجود در درون اجتماعات شهری، متفکران بسیاری را از علوم مختلف به خود مشغول داشته است.

جامعه شناسی شهری از جمله شاخه های معرفتی است که صرفاً و اختصاصاً "شهر" را بعنوان یک "محیط مخلوق" و به عنوان یک "محصول اجتماعی"، کانون توجه و مطالعه خود قرار می دهد.

از منظر این علم، "شهرنشینی" مرحله گذار از اجتماع مبتنی بر علقه های خونی به جامعه سازمان یافته مبتنی بر قراردادهاست. شهر تولیدکننده فرهنگ است. چون محیط شهری شیوه های خاصی از زیستن، کارکردن، رابطه برقرار کردن و مصرف کردن را بر ساکنانش عرضه می کند. از این رو جامعه شناسی شهری پاسخ دهی به پرسش هایی را وظیفه خود می داند که برخی از آنها چنین اند:

- رشد و توسعه شهرها تابع چه متغیرهایی است و آیا گسترش شهرها از الگوی واحدی تبعیت می کند؟
 - عناصر بنیادی سازمان شهر کدامند؟ و این عناصر چگونه تحت تأثیر رفتار کنشگران تغییر می کند؟
 - صورت های فضایی متفاوت چه تأثیری بر انسجام گروه های اجتماعی ساکنان شهر دارد؟
 - فضاهای شهری و عناصر بنیادین آن چگونه مایه تحکیم یا تضعیف روابط گروه های اجتماعی ساکن در شهر می شوند؟
 - چه رابطه ای میان خصوصیات یک شهر به لحاظ کالبدی و اقتصادی (شیوه تولید) و طبایع افراد ساکن در آن وجود دارد؟
 - شهرها را چگونه می توان اداره کرد به گونه ای که هم منافع جمعی و هم در عین حال منافع فردی ساکنانش توأمان تأمین شوند؟
 - سازمان قدرت در شهرها چگونه است و کدام گروه های اجتماعی سیادت دارند؟
- نباید از یاد بُرد که "فقر شهری" و نابسامانی های ناشی از کجروی و وقوع انواع جرائم در شهرها بود که نخستین دستمایه های مطالعات جامعه شناسی را فراهم ساخت. اما این علم بمرور، مسائل و موضوعات پیچیده تری را مورد تحلیل قرار داد که همگی بر محور زندگی شهری استوارند. مسائل و موضوعاتی چون جنبش های شهری، هویت شهروندی، وجود و گسترش مناطق جرم، مشارکت شهروندان و نهایتاً حکمرانی شهری از جمله مسائل متأخر در این علم اند.
- برای تبیین مسائل پیش گفته، رویکردهای نظری متعددی ارائه شده اند که هر کدام جنبه هایی از واقعیت زندگی شهری را پوشش می دهند. دو رویکرد عمده در جامعه شناسی شهری کلاسیک وجود دارند که به اجمال می توان آن ها را چنین معرفی کرد:



1- رویکرد بوم شناختی در جامعه‌شناسی شهری بر این پایه است که شهرها بطور اتفاقی رشد نمی‌کنند بلکه در واکنش به ویژگی‌های مساعد محیط و بر مبنای سه فرایند مهم رقابت، تهاجم و جانشینی گسترش می‌یابند. صاحبان این دیدگاه معتقدند، استقرار سکونتگاه‌های بزرگ شهری و توزیع انواع مختلف محلات در شهرها بر پایه اصول مشابهی قابل درک است. بعبارت دیگر الگوی واحدی برای رشد و تحول شهرها وجود دارد. اشکال چنین دیدگاهی آن است که به اهمیت طرح و برنامه‌ریزی آگاهانه در سازماندهی شهر، کمتر توجه شده و توسعه شهری را بعنوان یک فرایند طبیعی در نظر می‌گیرد.

2- رویکرد دیگری در مطالعات جامعه‌شناسی شهری وجود دارد که بر طبق آن به شهرنشینی بعنوان یک شیوه زندگی اجتماعی تأکید شده است. براساس این دیدگاه، زندگی در شهر، اثراتی بر روابط اجتماعی می‌گذارد. مثلاً در شهر، روابط بی‌نام، سطحی، ناپایدار، سودجویانه و عقلانی است.

دیدگاه‌های فرهنگ‌گرایانه به "پدیده شهر" در تداوم چنین رویکردی امروزه بوجود آمده‌اند که شهر را بعنوان یک «سامانه اخلاقی» تعریف می‌کنند. در این دیدگاه‌ها، شهرها محیط‌های ناهمگنی از خرده فرهنگ‌ها تلقی می‌شوند که یک مدیریت شهری کارآمد می‌بایست به ایجاد تعادل و توازن و انتظام‌بخشی به چنین اجتماعی بیندیشد و کوشش کند.

بر این اساس به نظر می‌رسد گام نخست در اداره مقتدرانه و هوشمندانه یک شهر آن است که اجتماعات شهری را بر مبنای کارکردهایشان گونه‌شناسی کنیم. باید دانست نقطه ثقل حیات یک شهر چیست؟

شهرهای بزرگ با مسائل پیچیده‌ای روبرو هستند که در درجه اول، شناخت عالمانه آنها از وظایف جامعه‌شناس شهری است.

در قلمرو این مسائل می‌توان به گسترش بی‌رویه مناطق حاشیه‌نشین شهر اشاره کرد که کانون‌های بالقوه برای ناهنجاریهای اجتماعی فراهم کرده است. به دنبال چنین رشد بی‌رویه‌ای، "جدایی گزینی فضایی" اتفاق افتاده است به این معنا که تفاوت و تبعیض در ارائه خدمات عمومی به ساکنان شهر و توزیع ناعادلانه امکانات رفاهی و تجهیزات شهری در مناطق مختلف شهر به چشم می‌خورد. چنین شرایطی، نارضایتی‌های عمومی را پدید خواهد آورد.

مدیریت شهری عقلانی می‌باید به تنوع خرده فرهنگ‌ها در شهر توجه نشان دهد و موضوع همجواری قومی، طبقاتی و مذهبی و چالش‌های احتمالی ناشی از آن را نباید از نظر دور بدارد.

علاوه بر این‌ها موضوعاتی چون ارتباط در شهر، کیفیت فضاهای عمومی، کیفیت مداخله شهرنشینان در اداره امور شهر و محله از جمله موارد مورد اعتنا در حیطه دانش جامعه‌شناسی شهری خواهند بود.